

جلد اول

اورلاندو فایجس

تراژدی مردم

انقلاب روسیہ ۱۸۹۱-۱۹۲۴

♦ ترجمہ احد علیقلیان ♦



نشرنی

فهرست مطالب

جلد اول

پیشگفتار	هفده
واژه‌نامه	بیست و سه
توضیح درباره تاریخ‌ها	بیست و پنج

بخش یکم: روسیه در دوره رژیم کهن

۱-۲۳۲

۱. سلسله پادشاهی	۳
الف) تزار و مردمش	۳
ب) مینیاتوریست	۲۱
ج) وارث تاج و تخت	۳۴
۲. ستون‌های سست	۵۲
الف) دیوان‌سالاران و روب‌دوشامبر	۵۲
ب) لایه نازک تمدن	۶۳
ج) بازمانده‌های ارتش فتودالی	۸۱
د) روسیه نه‌چندان مقدس	۹۱
ه) زندان مردم	۱۰۲

- ۹۶۸ الف) سه نبرد سرنوشت‌ساز
- ۱۰۱۴ ب) رفیق‌ها و کمیصرها
- ۱۰۳۴ ج) میهن سوسیالیستی
- ۱۰۷۵ ۱۵. شکست در پیروزی
- ۱۰۷۵ الف) راه‌های میان بر به کمونیسم
- ۱۰۹۲ ب) مهندسان روح انسان
- ۱۱۱۹ ج) بلشویسم در حال عقب‌نشینی
- ۱۱۵۵ ۱۶. مرگ و جدایی
- ۱۱۵۵ الف) یتیمان انقلاب
- ۱۱۷۴ ب) دنیای ناگشوده
- ۱۱۸۴ ج) آخرین مبارزهٔ لنین
- ۱۲۱۱ نتیجه
- ۱۲۳۷ کتاب‌شناسی
- ۱۲۷۷ نمایه

۱. سلسله پادشاهی

الف) تزار و مردمش

در صبحی بورانی در فوریه ۱۹۱۳ سن پترزبورگ سیصدمین سال حکومت رومانوفها بر روسیه را جشن گرفته بود. هفته‌ها بود که مردم درباره رویدادی بزرگ صحبت می‌کردند و همه کس اطمینان داشت که چنین رویداد شکوهمندی را دیگر به عمر خود نخواهد دید. قدرت باعظمت سلسله پادشاهی به طرزی بی سابقه در مراسمی با کبکبه و دبدبه به نمایش گذاشته می‌شد. با نزدیک شدن جشن سالگرد، هتل‌های مجلل پایتخت پر شد از رجال مناطق دوردست امپراتوری روسیه؛ و شاهزادگانی از لهستان و سرزمین‌های بالتیک؛ کشیشان اعظم از گرجستان و رمنستان؛ ملاها و رؤسای قبایل از آسیای میانه؛ امیر بخارا و خان خوارزم. شهر با ورود گردشگرانی از ولایات به جنب و جوش درآمده بود و مردم آراسته‌ای که معمولاً در اطراف کاخ زمستانی به تفریح می‌پرداختند دریافتند که شمار توده‌های کثیف و ناشسته بر آن‌ها می‌چربد. دهقانان و کارگران با قبا و عرقچین، زنان ژنده‌پوش لچک به سر. با سرازیر شدن ترامواها، کالسکه‌ها، ارابه‌ها و سورت‌ها بدترین راهبندان تاریخ بولوار نوسکی پدید آمد. خیابان‌های اصلی را با نشان‌های سفید و آبی و سرخ امپراتوری آذین بسته بودند؛ مجسمه‌ها را به تاج گل و رویان آراسته بودند؛ و تصاویر تزارها که حتی میخائیل، بنیانگذار سلسله پادشاهی، را در بر می‌گرفت بر سردر بنک‌ها و مغازه‌ها آویخته بود. بر فراز خطوط تراموا رشته‌هایی از لامپ‌های رنگی

آویزان بود که در شب با کلمات 'عمر تزار درازباد' یا عقاب دوسر رومانوف‌ها و تاریخ‌های ۱۹۱۳-۱۶۱۳ می‌درخشید. روستاییان که بسیاری‌شان هرگز چراغ برق ندیده بودند خیره به بالای سر خود می‌نگریستند و شگفت‌زده سرشان را می‌خاراندند. ستون‌ها، طاق‌ها و تک‌ستون‌هایی نورانی به چشم می‌خورد. جلو کلیسای جامع غازان غرفه سفیدی قرار داشت پر از کندر و بروملیاد^۱ و درختان نخل که در هوای زمستانی روسیه می‌لرزیدند.

مراسم با شکرگزاری باشکوه در کلیسای جامع غازان به رهبری اسقف اعظم آنتیوچ که به همین مناسبت از یونان آمده بود و با حضور سه مطران روسی و پنجاه کشیش از سن‌پترزبورگ آغاز شد. خاندان سلطنتی در کالسکه‌های روباز از کاخ زمستانی خارج شدند؛ دو گردان از گارد سلطنتی خود اعلیحضرت و سواران قزاق با جبهه‌های سیاه و کلاه‌های قرمز قفقازی آن‌ها را مشایعت می‌کردند. از انقلاب ۱۹۰۵ به این سو نخستین بار بود که تزار سوار بر اسب در انتظار عمومی ظاهر می‌شد. در طول راه گاردهای سلطنتی با کلاه‌های پرداز و اونیفورم‌های سرخ صف کشیده بودند. دسته موزیک نظامی سرود ملی را به صدای بلند نواخت و سربازان هنگام عبور دسته سواران فریاد 'هورا' سردادند. بیرون کلیسای جامع هیئت‌های مذهبی از نقاط مختلف شهر از صبح زود به هم می‌پیوستند. به محض نزدیک شدن یکی از کالسکه‌ها، جمعیت عظیم به همراه انبوهی از صلیب‌ها، شمایل‌ها و علم‌ها زانو می‌زدند. درون کلیسای جامع اعضای طبقه حاکم روسیه ایستاده بودند: گراند دوک‌ها و شاهزادگان، اعضای دربار، سناتورها، وزرا، اعضای شوراها، دولتی، اعضای مجلس دوما، مقامات بلندپایه کشوری، ژنرال‌ها و دریاسالاران، استانداران، شهرداران، رهبران انجمن‌های منتخب حکومت محلی و سران اشراف. کم‌تر کسی دیده می‌شد که بر سینه‌اش ردیفی از مدال‌های درخشان یا ستاره الماسی نباشد؛ کم‌تر آدمی که بر پهلویش شمشیری نبسته باشد. همه چیز زیر نور شمع می‌درخشید - شمایل‌های نقره، تاج‌های اسقفی جواهرنشان و صلیب بلورین. در

۱. bromeliad، درخت بومی مناطق حاره آمریکا از تیره آناناس.

میانه مراسم دو کبوتر از بخش تاریک گنبد رو به پایین به پرواز درآمدند و چند لحظه ای بالای سر تزار و پسرش چرخ زدند. نیکلا که وجد مذهبی از خود بیخودش کرده بود این را نماد رحمت خداوند بر خاندان رومانوف تعبیر کرد. در همین حال، در محله های کارگری به مناسبت تعطیل عمومی کارخانه ها بسته بود. مردم فقیر بیرون غذاخوری های شهرداری که به میمنت این بزرگداشت غذای رایگان می دادند صف کشیده بودند. در پی پخش شایعه بخشودگی ویژه ای که بر اساس آن مردم می توانستند اشیاء قیمتی خود را بی پرداخت بهره از رهن خارج کنند، جمعیت به بنگاه های کارگشایی هجوم برد؛ وقتی معلوم شد که این شایعات کذب است جمعیت خشمگین شد و شیشه های چندین بنگاه کارگشایی را خرد کرد. زنان بیرون زندان های شهر جمع شدند، به این امید که عزیزان شان در میان دو هزار زندانی ای باشند که به موجب عفو عمومی به مناسبت جشن سیصدمین سالگرد سلطنت آزاد می شدند.

بعد از ظهر جمعیت عظیمی برای دیدن نمایش نور و صدا که مدت ها منتظرش بودند به مرکز شهر آمدند. دکه های کنار خیابان ها آبجو لیوانی و کلوچه، پرچم رومانوف ها و یادگاری می فروختند. در پارک ها بازار مکاره و کنسرت برپا شده بود. با تاریکی هوا بولوار یوسکی را انبوه به هم فشردۀ جمعیت فرا گرفته بود. مردم به به بالای سر خود نگاه می کردند تا درخشش رنگ و نور چراغ ها و فشفشه هایی را ببینند که آسمان شهر را خط خطی می کرد و به سرعت بر فراز بام ها می گذشت تا لحظه ای دیگر بر یک بنای تاریخی مهم فرود آید. سرمنازه طلایی ساختمان در یاداری در پس زمینه تاریک آسمان چونان مشعلی می درخشید، و کاخ زمستانی با سه تمثال بسیار بزرگ نیکلای دوم، پتر کبیر و میخائیل رومانوف نورباران شده بود.

خاندان سلطنتی یک هفته دیگر نیز به مناسبت این خودستایی آیینی در پایتخت ماند. در کاخ زمستانی استقبال باشکوهی به عمل آمد؛ رجال به زانو درآمدند و تالارهای تشریفات صف کشیده بودند تا در تالار کنسرت خود را به نیکلا و آلکساندرا معرفی کنند. در مجلس اعیان ضیافت باشکوهی ترتیب داده شده بود که امپراتور و ملکه و دختر بزرگ شان، الگا، در اولین حضور رسمی اش در آن شرکت

۳. شمایل‌ها و سوسک‌ها ۱۲۵
 الف) یک دنیا فاصله ۱۲۵
 ب) به دنبال نفی گذشته ۱۵۱
 ۴. جوهر سرخ ۱۸۳
 الف) درون دژ ۱۸۳
 ب) مارکس به روسیه می‌آید ۲۰۷

بخش دوم: بحران قدرت (۱۹۱۷ — ۱۸۹۱)

۲۳۳—۴۵۸

۵. اولین خون ۲۳۵
 الف) میهن پرستان و منجیان ۲۳۵
 ب) 'تزاری نیست' ۲۵۹
 ج) زمان جدایی ۲۸۷
 ۶. واپسین امیدها ۳۱۹
 الف) پارلمان‌ها و دهقانان ۳۱۹
 ب) دولتمرد ۳۳۱
 ج) شرط بندی روی قوی ۳۴۶
 د) از بهر خدا، تزار و سرزمین پدری ۳۶۰
 ۷. جنگ در سه جبهه ۳۸۰
 الف) آهن در برابر آدم ۳۸۰
 ب) راننده دیوانه ۴۰۵
 ج) از سنگرهای جبهه تا سنگرهای خیابانی ۴۳۵

بخش سوم: روسیه در انقلاب (فوریه ۱۹۱۷ — مارس ۱۹۱۸)

۴۵۹—۸۲۲

۸. فوریه باشکوه ۴۶۱
 الف) قدرت خیابان ۴۶۱

۴۸۴	(ب) انقلابیون بی‌رغبت
۵۰۶	(ج) آخرین نیکلا
۵۳۱	۹. آزادترین کشور جهان
۵۳۱	(الف) دولت لیبرالی غربیه
۵۴۲	(ب) انتظارات
۵۷۴	(ج) خشم‌لنین
۵۹۳	(د) ناامیدی گورکی
۶۰۸	۱۰. رنج‌های دولت موقت
۶۰۸	(الف) توهم یک ملت
۶۳۰	(ب) سرخ تیره
۶۵۴	(ج) مردی سوار بر اسب سپید
۶۷۹	(د) هملت‌های سوسیالیسم دموکراتیک
۷۰۸	۱۱. انقلاب لنین
۷۰۸	(الف) هنر شورش
۷۴۵	(ب) خودکامگان اسمولنی
۷۷۴	(ج) غارت غارت‌گران
۷۹۷	(د) سوسیالیسم در یک کشور

جلد دوم

بخش چهارم: جنگ داخلی و برپایی نظام شوروی (۱۹۲۴-۱۹۱۸)

۸۲۳-۱۲۱۰

۸۲۵	۱۲. واپسین رویاهای دنیای کهن
۸۲۵	(الف) سن پترزبورگ بر استپ
۸۵۵	(ب) شب مجلس مؤسسان
۸۷۶	۱۳. انقلاب به جنگ می‌رود
۸۷۶	(الف) مسلح کردن انقلاب
۸۹۶	(ب) کولاک‌ها، پبله‌وران و فندک‌ها
۹۳۱	(ج) رنگ خون
۹۶۸	۱۴. رژیم جدید ظفرمند